

## اخلاق زیست محیطی در متون مقدس ادیان ابراهیمی

عبدالرحیم سلیمانی \*

DOI: 10.22096/rc.2023.1971873.1078

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶]

### چکیده

در قرن حاضر به دنبال پیدایش بحران محیط زیست، گروهی در غرب انگشت اتهام را به سوی متون مقدس یهودی - مسیحی و نیز تعالیم ادیان ابراهیمی نشانه رفته‌اند. آنان می‌گویند این متون و تعالیم مندرج در آنها زمینه‌ساز این دیدگاه در انسان غربی شده که او خود را مالک بی‌چون و چرای طبیعت می‌داند و به خود اجازه می‌دهد هرگونه و به هر اندازه که بخواهد از طبیعت استفاده کند. بسیاری از مواردی که آنان درباره متون مقدس یهودی - مسیحی مطرح کرده‌اند، می‌تواند درباره قرآن و متون اسلامی نیز مطرح شود. این نوشتار در پی آن است که پس از بیان اشکالات وارد شده و پاسخ‌هایی که در غرب به آنها داده شده، این مسئله را درباره قرآن و روایات اسلامی بررسی کند. فرضیه نوشتار حاضر این است که عمده اشکالات وارد شده درباره متون یهودی - مسیحی وارد نیست و درباره متون اسلامی نیز این شبهات نه تنها هرگز وارد نیست، بلکه در این متون تکالیف اخلاقی متعددی درباره محیط زیست آمده که می‌تواند بحران را برطرف کند.

**واژگان کلیدی:** دین و اخلاق؛ اخلاق کاربردی؛ اخلاق زیست محیطی؛ بحران محیط زیست؛ دین و محیط زیست.



### مقدمه

در قرن اخیر و به ویژه دهه‌های آخر آن، سخن از بحران تخریب محیط زیست و علل آن در جهان غرب بسیار جدی شده و کتاب‌ها و مقالات متعددی در این رابطه نوشته شده و همایش‌های زیادی برای بررسی آن برپا کرده‌اند. ظاهراً در میان دانشمندان مسلم است که اگر وضع به همین منوال ادامه یابد، وضعیت زمین به گونه‌ای می‌شود که برای زیست انسان مناسب نخواهد بود. افزون بر این، منابع انرژی و معادن که میزان محدودی از آنها در زمین موجود است و بازسازی آنها میلیون‌ها سال زمان می‌برد، به پایان می‌رسد. همچنین بسیاری از گونه‌های حیوانات و گیاهان از بین می‌روند و همه آنها به دست انسان در حال صورت‌گرفتن است؛ انسانی که آزمندانه و با حرص و ولع، بی‌رویه و بیش از حد نیاز و حتی بدون نیاز، از طبیعت استفاده می‌کند. او خود را مالک تمام عیار طبیعت می‌داند و در راه تسخیر و تسلط بر آن از هیچ کاری کوتاهی نمی‌کند. آنچه مشکل را در سده‌های اخیر بسیار حادث‌تر و جدی‌تر کرده این است که علوم جدید و ابزارهای نو، قدرت بر قدرت این انسان بسیار افزوده است.

عامل و سبب اصلی این ناهنجاری چیست؟ فرضیه‌های زیادی ارائه شده است. اما آنچه در میان این نظریه‌ها و فرضیه‌ها بسیار خودنمایی می‌کند این است که متون مقدس یهودی - مسیحی و نگرش این متون به انسان و طبیعت، یا به‌خصوص دین مسیحی که دین غالب جهان غرب بوده، عامل و علت این بحران هستند.<sup>۱</sup> کسانی در برابر این نظریه موضع گرفته‌اند و عوامل دیگری را سبب این بحران دانسته‌اند یا حتی علت بحران را جدایی انسان مدرن از این متون مقدس انگاشته‌اند یا نقش مستقیم اندیشه مسیحی در آن را انکار کرده‌اند.<sup>۲</sup>

مسئله آن است که کسانی که عامل بحران را اندیشه‌های یهودی - مسیحی می‌دانند، به مواردی استشهد کرده‌اند که ممکن است ادعا شود که شبیه همان‌ها در قرآن نیز یافت می‌شود. این نوشتار در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد: آیا اندیشه‌های مطرح‌شده در متون مقدس یهودی - مسیحی عامل بحران زیست‌محیطی است؟ آیا چنانکه عده‌ای ادعا کرده‌اند، نگرش این متون به انسان و طبیعت باعث نابودی طبیعت شده، یا برعکس، چنانکه عده‌ای دیگر مدعی هستند، این متون انسان را اخلاقاً مسئول نگهداری طبیعت کرده است؟ با توجه به امور فوق، از قرآن و روایات اسلامی چه موضعی می‌توان برداشت کرد؟

۱ پیتز سینگر، «اخلاق محیط زیست»، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۴۵-۴۶ (۱۳۸۶): ۱۴۲-۱۴۳.  
۲. پتریک دوپل، «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی-مسیحی نسبت به طبیعت»، ترجمه مصطفی ملکیان، در پویمان، پ. لویی، اخلاق زیست‌محیطی، جلد ۱ (تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۴).

### ۱. انگشت اتهام به سوی سنت یهودی - مسیحی

همان‌طور که اشاره شد، به نظر برخی کسانی که دغدغه محیط زیست را دارند، عامل بحران محیط زیست سنت یهودی - مسیحی است. حتی کسانی که دل‌بستگی‌های دینی و معنوی دارند، گاه ادیان را با همین معیار ارزش‌گذاری کرده‌اند. آرنولد توین‌بی، مورخ مشهور، در دهه ۱۹۷۰ می‌گوید: «دین حق دینی است که احترام به منزلت و قداست کل طبیعت را تعلیم می‌دهد. دین باطل دینی است که ارضای حرص و آز بشر را به قیمت [هزینه‌کردن از] طبیعت غیربشری جایز می‌داند. نتیجه آنکه دینی که ما باید اکنون بپذیریم، همه‌خداگرایی<sup>۳</sup> است - بدان‌گونه که در آیین شین‌تو نشان داده شده است - و دینی که باید اکنون از آن دست برداریم، یکتاپرستی یهودی و ایمان غیرخدا‌باورانه پسامسیحیتی به پیشرفت علمی است که این اعتقاد را که بشر اخلاقاً مجاز است برای ارضای حرص و آز خود از بقیه جهان بهره‌برداری کند، از مسیحیت به ارث برده است»<sup>۴</sup>.

نویسنده فوق از یک سو نگرش علمی دوره مدرن را که نتیجه اندیشه مسیحی می‌داند، مخرب محیط زیست می‌انگارد و از سوی دیگر، که مهم‌تر است، اصل یگانه‌پرستی را به شکلی که در ادیان ابراهیمی مطرح شده، عامل تقدس‌زدایی از طبیعت و در نتیجه، زمینه‌ساز تخریب آن می‌شمارد. اما آیا بحران محیط زیست نتیجه پرستش خدای یگانه‌جدا از طبیعتی است که متون مقدس ادیان ابراهیمی و از جمله اسلام تعلیم می‌دهند؟ آیا اعتقاد به چنین خدایی مساوی با تقدس‌زدایی از طبیعت است که در نتیجه، به پیشنهاد نویسنده باید به همه‌خداگرایی رو آورد؟ به‌رحال این نویسنده بحران محیط زیست عصر حاضر را با ریشه‌ای‌ترین اعتقاد بسیاری از ادیان مرتبط می‌داند.

گفته می‌شود شخصیتی که در جریان اتهام بحران محیط زیست به ادیان ابراهیمی بسیار تأثیرگذار بوده، لین وایت،<sup>۵</sup> استاد تاریخ در دانشگاه کالیفرنیا بوده است. او در سال ۱۹۶۷ مقاله‌ای نوشت و در آن مسیحیت را عامل بحران محیط زیست معرفی کرد. پتریک دوپل، دانشیار دانشگاه کالیفرنیا، در مقاله‌ای که درباره نظریه وایت نوشته، می‌گوید: به یکی از کتاب‌فروشی‌های محله‌مان مراجعه کرده و در یک جست‌وجوی اجمالی در این زمینه سیزده کتاب درباره محیط زیست یافتیم که نه عدد از آنها به مسیحیت، کتاب مقدس یا سنت یهودی - مسیحی اشاره داشته و هفت عدد از آنها مسیحیت یا کتاب مقدس یهودی - مسیحی را عامل بحران محیط زیست معرفی می‌کردند.

3. Pantheism

۴. استیون کلارک، «اخلاق زیست‌محیطی»، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، فصلنامه هفت آسمان، ش ۳۶ (۱۳۸۴): ۱۲۶-۱۲۵.

5. Lyne white

بیش از نیمی از این کتاب‌ها به مقاله‌ای به قلم لین وایت تحت عنوان «ریشه‌های تاریخی بحران بوم‌شناختی ما» ارجاع می‌دادند.<sup>۶</sup> سخن فوق اهمیت و تأثیر مقاله وایت را به خوبی نشان می‌دهد. وایت از چندین جهت اندیشه مسیحی را مسبب بحران محیط زیست می‌داند که عمده استدلال‌های او تنها مسیحیت را شامل نمی‌شود، بلکه همه ادیان ابراهیمی یا حتی ادیان دیگر را نیز دربرمی‌گیرد.

یکی از استدلال‌های وایت این است که در ادیان غیرابراهیمی آموزه‌ای وجود داشت به نام آنیمیسیم یا جاندارانگاری. انسان در مواجهه با طبیعت با یک موجود جاندار روبه‌رو بود که برای هر کاری باید از روح آن اجازه می‌گرفت. اما مسیحیت با از میان برداشتن این آموزه، این امکان را فراهم کرد که انسان غربی از طبیعت، که آن را موجودی بی‌روح و بی‌احساس می‌دانست، بهره‌کشی کند و برای آن هیچ احترام و حقی قائل نباشد.<sup>۷</sup>

این استدلال وایت، هرچند خصوص مسیحیت را نشانه رفته، اما همچنان عام است و بسیاری از ادیان دیگر را شامل می‌شود، چراکه آموزه آنیمیسیم، آن‌گونه که در ادیان ابتدایی مطرح است، در بسیاری از ادیان پیشرفته، از جمله یهودیت و اسلام، مطرح نیست. پرسش اساسی این است که آیا واقعا ادیانی که طبیعت را مانند ادیان ابتدایی دارای جان نمی‌دانند عامل تخریب محیط زیست‌اند؟ وایت پس از بیان اینکه همه اندیشه‌های عصر جدید، حتی مارکسیسم، متأثر از اندیشه مسیحی است، داستان خلقت را مطرح می‌کند و می‌گوید براساس کتاب تورات، خدا طی مراحل جهان طبیعت را آفرید و سپس مرد را آفرید و حوا را برای مرد آفرید. پس همه چیز برای مرد آفریده شد. وایت در ادامه می‌گوید: «مسیحیت، مخصوصاً به شکل غربی آن، انسان‌مدارترین دینی است که جهان به خود دیده است، چراکه خدا انسان را به صورت خود آفریده و در تعالی خود شریک کرده است و بدین طریق همان‌طور که خدا از طبیعت کاملاً جداست، انسان نیز کاملاً از طبیعت جداست و نسبت به آن تعالی دارد. این امر باعث شده که انسان نگاه درستی به طبیعت نداشته باشد».<sup>۸</sup>

نویسنده‌ای دیگر که موضعی مخالف وایت دارد، می‌کوشد کیفرخواست بر ضد مسیحیت را خلاصه کند. او می‌گوید در این کیفرخواست دو ادعا نهفته است. در یک ادعا آمده که جایگاه انسان و رابطه او با طبیعت و زمین یک جایگاه برتری جویانه و خصمانه است. درباره جایگاه

۶. پتریک دویل، «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی-مسیحی نسبت به طبیعت»، ۱: ۱۱۳-۱۱۴.

۷. لین وایت، «ریشه‌های تاریخی بحران بوم‌شناختی ما» ترجمه مصطفی ملکیان، در پویمان، پ. لویی، اخلاق زیست‌محیطی، جلد ۱ (تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۴)، ۸۰-۸۱.

۸. وایت، «ریشه‌های تاریخی بحران بوم‌شناختی ما»، ۷۸-۸۰.

اخلاق زیست‌محیطی در متون مقدس ادیان ابراهیمی / سلیمانی ۱۱

انسان آمده است: و خدا گفت: «آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند، حکومت نماید. پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید».<sup>۹</sup>

از این فقره برتری مطلق انسان نسبت به طبیعت استفاده شده است. اما فقره‌ای که در پی می‌آید وضعیت زمین را درباره انسان بیان می‌کند. این نگاه به انسان و زمین باعث شده که برتری انسان از نوع دشمنی و بیگانگی باشد. آدم پس از گناه و خوردن از درخت ممنوعه به زمین آمده است. این ماجرا چنین بیان شده است: و خدا به آدم گفت: «چون که سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شده، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خوار و خس برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی».<sup>۱۰</sup>

پس مسیحیت از یک سو انسان و خدا را به طور کامل از زمین جدا می‌کند و از سوی دیگر قداست ذاتی زمین را از بین می‌برد. این بیگانگی و برتری ذاتی باعث شده که انسان غربی به صورتی خصمانه و با خشونت با طبیعت برخورد کند و به تاراج و تخریب آن بپردازد.

ادعای دوم آن است که دلمشغولی اخروی مسیحیت و بی‌توجهی کامل به دنیا نیز به سوءاستفاده از محیط زیست کمک کرده است. پولس می‌گوید: «در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است... پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید».<sup>۱۱</sup>

به هر حال منتقدان وضعیت ناهنجار محیط زیست برآن‌اند که مسیحیت باید بار گناه این ناهنجاری را بر عهده گیرد.<sup>۱۲</sup>

سخن دیگر اینکه طرفداران حفظ محیط زیست دو دسته‌اند. یک دسته کسانی هستند که گاهی طرفداران سطحی‌نگر شمرده می‌شوند. اینان با قبول اینکه طبیعت برای انسان خلق شده و انسان باید از آن، همان‌طور که در کتاب مقدس آمده، استفاده کند و از آن بهره بکشد، می‌گویند انسان نمی‌تواند به صورت بی‌رویه از طبیعت استفاده کند که چیزی برای نسل‌های آینده باقی

۹. پیدایش، ۱: ۲۶-۲۸.

۱۰. پیدایش، ۳: ۱۷-۱۹.

۱۱. کولسیان، ۳: ۲-۵.

۱۲. پتریک دوپل، «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی-مسیحی نسبت به طبیعت»، ۱: ۱۱۵-۱۱۷.

نماند. در واقع اینان محوریت انسان را پذیرفته‌اند. اینان قبول دارند که همه چیز برای انسان خلق شده و طبیعت، یعنی حیوانات و گیاهان، حقی اخلاقی نسبت به انسان ندارند. با این حال انسان موظف است محیط زیست را برای نسل‌های آینده حفظ کند. او حق ندارد از حیوانات، جنگل‌ها و منابع به گونه‌ای استفاده کند که چیزی برای نسل‌های آینده باقی نماند. اما دسته دیگر، که طرفداران محیط زیست ژرف‌نگرند، می‌گویند: باید با طبیعت اخلاقی برخورد کرد. حیوانات و گیاهان حق اخلاقی نسبت به انسان دارند. جدای از منافع انسان‌ها، چه این نسل و چه نسل‌های آینده، خود طبیعت مانند انسان حق حیات دارد و انسان باید با آن اخلاقی برخورد کند و نباید به آن تجاوز نماید.<sup>۱۳</sup>

به نظر می‌رسد که بیشتر اشکال به متون مقدس یهودی - مسیحی از نوع دوم است. این متون هیچ حق و ارزشی واقعی برای طبیعت قائل نیست. آگوستین قدیس برای نشان دادن بی‌اهمیتی حیوانات به این استناد می‌کند که حضرت عیسی دیوها را از انسان‌ها خارج کرد و آنها را به درون گله‌گزارها فرستاد و همه گله هلاک شدند<sup>۱۴</sup> یا اینکه او درخت انجیر بی‌میوه را خشک کرد.<sup>۱۵</sup>

## ۲. دفاع از سنت

در مقابل اتهاماتی که به ادیان ابراهیمی به طور عام و یا مسیحیت به طور خاص وارد شده، کسانی کوشیده‌اند که این اتهامات را پاسخ دهند. از میان اینان برخی به دفاع عام پرداخته‌اند و برخی تلاش کرده‌اند موارد خاص اتهام را پاسخ دهند.

### ۲-۱. دفاع عام

سنت‌گرایی مکتبی است که در مقابل مدرنیته، ارزش واقعی را به سنت‌های دینی می‌دهد و دکتر سید حسین نصر از مهم‌ترین پیروان این مکتب است. سنت‌گرایی داستان را درست برعکس تعریف می‌کند. او با این مثال بحران محیط زیست را به تصویر می‌کشد که طبیعت باید به مثابه همسری باشد که انسان از او لذت می‌برد و البته در قبال او مسئولیت دارد. اما نگاه انسان متجدد به طبیعت به صورت نگاه به یک فاحشه درآمده که از آن بهره جنسی می‌برند، اما نسبت به او مسئولیتی ندارند. اما این فاحشه کم‌کم به صورتی درمی‌آید که این بهره‌کشی و تلذذ هم از آن مقدور نیست.<sup>۱۷</sup>

۱۳. کلارک، «اخلاق زیست‌محیطی»، ۱۲۶-۱۳۹.

۱۴. متی، ۸: ۲۸-۳۲.

۱۵. متی، ۲۱: ۱۸-۲۰.

۱۶. کلارک، «اخلاق زیست‌محیطی»، ۱۶۲؛ سینگر، «اخلاق محیط زیست»، ۱۴۴.

۱۷. سید حسین نصر، انسان و طبیعت، ترجمه عبدالرحیم گواهی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹)، ۱۲-۱۳.

شاید مثال ایشان نتواند به‌خوبی رابطه انسان و طبیعت را در سنت نشان دهد، چراکه طبیعت همسر انسان نیست که انسان از او لذت ببرد، بلکه مادر انسان است که به انسان شیر می‌دهد.<sup>۱۸</sup> شاید سخن یک سرخ‌پوست آمریکایی و داوری او نسبت به نگاه غربی‌های سفیدپوست به‌خوبی این نکته را نشان دهد: «عمل انسان سفید پوست، روح و بدن را خشن می‌گرداند. این درست نیست که مانند سفیدپوستان، زمین را پاره‌پاره کنیم و آن را ویران سازیم... ما صرفاً هدیه‌ای را که از روی اختیار به ما داده می‌شود، قبول می‌کنیم. ما بیش از مقداری که انگشتان طفل به پستان مادر صدمه می‌زند به زمین صدمه وارد نمی‌کنیم».<sup>۱۹</sup>

اما در مثال مناقشه نباید کرد. سخن آقای نصر این است که نگاه انسان مدرن به طبیعت نگاهی نادرست و ناروا است. اما این نگاه ناروا و این بحران از کجا ناشی شده است؟ پاسخ آقای نصر، درست عکس نقادان قبلی، این است که چون انسان مدرن از سنت‌های دینی بریده به این مشکل دچار شده است. انسان غیرمتجدد، چه باستانی و چه معاصر، برای کل طبیعت تقدس قائل است و این انسان مدرن است که از طبیعت تقدس‌زدایی کرده است. انسان مدرن انسجام و هماهنگی انسان و طبیعت را از بین برده و این امر از آنجا ناشی شده است که انسجام و هماهنگی انسان و خدا از بین رفته است.<sup>۲۰</sup>

به نظر می‌رسد سخن فوق با یک مشکل روبروست و آن این است که کسانی از میان نقادان مسیحیت در این زمینه کل اندیشه مدرن را زاییده مسیحیت می‌دانند. سخن آقای نصر این است که علت بحران محیط زیست مدرنیته است، نه سنت مسیحی یا دیگر سنت‌ها، و مدرنیته در مقابل سنت قرار دارد. در واقع آقای وایت که قبلاً از او سخن نقل شد، عصر جدید را مولود مسیحیت می‌داند: «غلبه مسیحیت بر ادیان غیر ابراهیمی بزرگ‌ترین انقلاب روانی در تاریخ فرهنگ ما بود. این قول، امروزه شایع و رایج شده است که ما، بخوایم و نخوایم، در «عصر پسامسیحی» زندگی می‌کنیم. قطعاً صورت ظاهر تفکر و زبان ما عمدتاً دیگر مسیحانه نیست، اما به نظر من، ماده و باطن و گوهر غالباً، به طرز حیرت‌آوری، همچنان شبیه گذشته است... این واقعیت که کمونیست‌ها نیز در این ایمان شریک‌اند صرفاً به اثبات مطلبی کمک می‌کند که به استناد ادله

۱۸. پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَانَهَا أَثْمُكُمْ، و انه لیس من احد عامل علیها خیرا او شرا الا و هی مُخْبَرَةٌ به؛ از زمین مراقبت کنید، زیرا که او مادر شماست. و هر کس بر روی زمین خوب یا بد عمل کند، زمین از آن خبر می‌دهد». (علی‌بن‌حسام‌الدین متقی، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳)، حدیث (۴۳۶۷۳) و می‌فرماید: «تَمَسَّحُوا بِالْأَرْضِ فَانَهَا بَكْمُ بَرَّةٍ؛ زمین را نوازش کنید، زیرا نسبت به شما نیکوست». (متقی، کنز العمال، ح-۱۹۷۷۸)

19. Lewis M. Hopfe, *Religions of the World* (New York: Macmillan, 1983), 36.

۲۰. نصر، انسان و طبیعت، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۳.

عدیده دیگری نیز قابل اثبات است. ما امروزه، مانند تقریباً ۱۷۰۰ سال گذشته، هم‌چنان به صورت بسیار گسترده‌ای در متن اصول موضوعه مسیحی زندگی می‌کنیم.<sup>۲۱</sup>

پس اگر آقای نصر بخواهد سنت، و به‌ویژه سنت مسیحی را از اتهام تخریب محیط زیست مبرا کند، باید نخست پاسخ وایت را بدهد و اثبات کند که سنت مسیحی عامل به‌وجود آمدن وضع جدید نیست.

آقای لوئیس دابلویو، مانکریف، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه میشیگان، در مقاله‌ای می‌کوشد به وایت پاسخ دهد. لب سخن او این است که اگر سنت یهودی - مسیحی عامل بحران محیط زیست است، چرا همین بحران و همین سوء استفاده از طبیعت در دیگر نقاط دنیا، که فرهنگ و دین دیگری دارند، دیده می‌شود؟ اما از طرف وایت اینگونه پاسخ می‌دهد که رشد علم و فناوری نخستین بار در غرب بوده و دیگر نقاط جهان اقتباس کرده‌اند. او جان کلام وایت را در این نمودار بیان می‌کند.

سنت یهودی - مسیحی ← علم و فناوری ← فساد و تباهی محیط زیست

آقای مانکریف می‌گوید من با این نمودار ساده وایت مخالفم. تأثیر تعالیم یهودی مسیحی، حداکثر، فقط تأثیری غیرمستقیم بوده است. من الگو را اینگونه ترسیم می‌کنم:

سنت یهودی - مسیحی ← ۱. سرمایه داری (همراه با رشد علم و فناوری که ملازم آن است) ۱. شهرنشینی ← فساد و تباهی محیط زیست.

۲. ایجاد مردم سالاری ۲. افزایش ثروت

۳. افزایش جمعیت

۴. مالکیت فردی منابع و ذخایر<sup>۲۲</sup>

به نظر می‌رسد الگوی مانکریف با الگوی وایت تفاوت ماهوی نداشته باشد. تنها تفاوت در اجمال و تفصیل است. به‌رحال مانکریف نیز ریشه و اساس این بحران را سنت یهودی - مسیحی می‌داند.

پس شاید اصل این ادعا انکارپذیر نباشد که اندیشه جدید و مدرنیته در بستر فرهنگ مسیحی و تحت تأثیر آن به وجود آمده است. اما آیا نقطه شروع، چنانکه وایت می‌گوید، تعالی انسان است که در مسیحیت مطرح شده است؟ او می‌گوید مسیحیت با آموزه خداگونه خلق شدن انسان، در

۲۱. وایت، «ریشه‌های تاریخی بحران بوم‌شناختی ما»، ۷۸-۷۹.

۲۲. لوئیس دابلویو مانکریف، «بنیان فرهنگی بحران محیط زیست ما»، ترجمه مصطفی ملکیان، در پویمان، پ. لویی، اخلاق زیست‌محیطی، جلد ۱ (تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۴)، ۱۱۰-۱۱۱.

واقع انسان را از طبیعت جدا کرد و همین باعث اندیشه طبیعت غیرمقدس عصر جدید گردید. اما شاید کسی جنبه دیگر انسان‌شناسی مسیحی را عامل بحران بداند؛ جنبه‌ای که درست عکس تعلیم تعالی انسان است. بر پایه تعالیم مسیحی، یا به عبارت دقیق‌تر، نوشته‌های پولس در عهد جدید، انسانی که متعالی و به صورت خدا خلق شده بود با گناه آدم سقوط کرد و همه قداست خود را از دست داد.<sup>۲۳</sup> در سده‌های نخست مسیحی، آموزه حجیت کلیسا شکل گرفت. مطابق این آموزه، کلیسا همه‌کاره بود و تبیین همه ابعاد عقیدتی و عملی دین را بر عهده داشت و حتی او رابطه و واسطه انسان و خدا بود.<sup>۲۴</sup> پس انسان سقوط کرده بسیار کوچک گردید و هر چه از اختیارات و توان او کاسته می‌شد بر قدرت و اختیار کلیسا افزوده می‌شد. چون جهان غرب وارد قرون وسطا شد، کلیسای غرب از آموزه حجیت کلیسا نهایت سوء استفاده را کرده، پا را از حیطه امور دینی فراتر نهاد و به دانش و علوم و نیز وضعیت سیاسی جامعه وارد شد. بدین ترتیب انسان هیچ‌کاره گردید. عصر جدید که از رنسانس در قرن ۱۵ آغاز شد، عکس‌العملی بود در قبال آموزه تفریطی مسیحیت درباره انسان و آموزه افراطی مسیحیت غرب درباره حجیت کلیسا.<sup>۲۵</sup> این جریان با طی مسیری چندقرنی به جایی رسید که انسان هیچ‌کاره قرون وسطای غرب مسیحی خود را همه‌کاره دید و نه تنها حجیت کلیسا و هرگونه حجیت غیر را انکار کرد، بلکه خود را نیازمند خدا ندید و خدا را خالق و مدبر جهان ندانست، بلکه خدا را مخلوق جهل و نادانی انسان دانست و چون به گمان خود در این زمان جهل را از بین برده بود فریاد مرگ خدا را سر داد.<sup>۲۶</sup> این انسان افسارگسیخته غربی بود که بحران محیط زیست را پدید آورد؛ انسان بریده از خدا و در دام شیطان که همه چیز را برای لذت خود می‌خواست.

پس مسیحیت را باید در بحران محیط زیست عصر ما مؤثر دانست، اما این تأثیر برخلاف گفته وایت، می‌تواند غیرمستقیم بوده باشد.

## ۲-۲. دفاع خاص

در برابر اتهامات خاصی که به متون مقدس و اعتقادات یهودی - مسیحی درباره محیط زیست زده شده، دفاعیات خاصی نیز صورت گرفته است. مهم‌ترین فقره از عهد قدیم که در این باره بدان استدلال شده، باب اول سفر پیدایش است که در آن به انسان‌ها دستور می‌دهد که «بر زمین

۲۳. نامه پولس به رومیان، باب پنجم.

۲۴. ارل کرنز، سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ترجمه آرمان رشدی (تهران: شورای کلیساهای جماعت ربانی، ۱۹۹۴):  
گریدی، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی (قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۴)، فصل‌های ۱۱-۱۳.

۲۵. جی دانستن لسللی، آیین پروتستان، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی (قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۱)، فصل اول.

۲۶. دان کیوییت، دریای ایمان، ترجمه حسن کامشاد (تهران: طرح نو، ۱۳۷۶)، فصل‌های ۵-۷.

حکومت کنند» (شماره ۲۶) و «بر زمین مسلط شوند» (شماره ۲۸). دستور سلطه بر زمین باعث شده که انسان‌ها خود را مالک زمین بدانند و از آن استفاده کنند. اما برخی برآنند که اصل و ریشه فعل عبری که به این صورت ترجمه شده، به گونه دیگری است و فعل اول در اصل به معنای «تصرف مشروع در زمین» و فعل دوم به معنای «شبانگی کردن» است. بنابراین هرگز این دو فعل به معنای مالکیت و اختیار تام نیست.<sup>۲۷</sup>

کتاب تعلیمات دینی کلیسای کاتولیک، فقره فوق را به گونه‌ای تفسیر کرده که از آن نه تنها مالکیت و اختیار بی‌چون و چرای طبیعت استفاده نمی‌شود، بلکه برعکس، همین فقره مسئولیت اخلاقی انسان را نسبت به طبیعت معین می‌کند. در این کتاب آمده است که خدا سرپرستی حیوانات را به کسانی سپرده که آنان را به صورت خود آفرید. معنای سخن این است که انسان باید خداگونه حیوانات را سرپرستی کند. اگر خدا استفاده از طبیعت را به انسان عطا کرده، پس آن را به همه نسل‌ها داده و یک نسل حق ندارد بی‌رویه از آن استفاده کند تا برای نسل‌های بعدی چیزی باقی نماند. حیوانات همه آفریده خدا هستند و او را تقدیس می‌کنند. پس انسان نباید به آنان آزار برساند، بلکه باید از آنها مراقبت کند و البته می‌تواند به اندازه نیاز خود از آنها استفاده کند.<sup>۲۸</sup>

به نظر می‌رسد که این فقره از کتاب مقدس درست عکس مدعای نقادان را می‌رساند و حق با کتاب فوق و دیگر مدافعان است. اولاً، در ابتدای این فقره آمده است: «خدا گفت انسان را شبیه خود بسازیم تا بر همه حیوانات فرمانروایی کند». (ش ۲۶) واضح است اگر انسان به منظور فرمانروایی بر دیگر موجودات شبیه خدا خلق شده، پس او باید جای خدا را بر روی زمین بگیرد و اگر خدا از حیوانات مراقبت می‌کند و به آنان روزی می‌دهد، انسان نیز باید همین‌گونه با آنان رفتار کند. از سوی دیگر در دنباله فقره فوق، نوع استفاده از طبیعت برای انسان مشخص شده و سهم حیوانات از طبیعت، در کنار سهم انسان، معین شده است: و خدا گفت: «همانا همه علف‌های تخم‌داری که بر روی تمام زمین است و همه درخت‌هایی که در آنها میوه درخت تخم‌دار است، به شما دادم تا برای شما خوراک باشد. و به همه حیوانات زمین و به همه پرندگان آسمان و همه حشرات زمین که در آنها حیات است، هر علف سبز را برای خوراک دادم».<sup>۲۹</sup>

آیا انسان می‌تواند زیستگاه حیوانات را از بین ببرد؟ حتماً این عمل با فقره فوق ناسازگار است، چراکه کسی حق ندارد آنچه را خدا به حیوانات داده است از آنها بگیرد. البته در برخی فقرات عهد

27. John Rogerson, "The Old Testament: Historical Study and New Roles": 81.

28. CCC, Catechism of the Catholic Church (Ireland: Veritas, 1994), n. 4415- 4418.

۲۹. پیدایش، ۱: ۲۹-۳۰.

قدیم آمده است که زمین به انسان عطا شده است: «آسمان‌ها، آسمان‌های خداوند است و اما زمین را به بنی‌آدم عطا فرمود».<sup>۳۰</sup> اما در سراسر عهد قدیم همیشه انبیا این نکته را گوشزد کرده‌اند که خدا پادشاه و حاکم است و او مالک همه چیز است. پس این اعطا به معنای دادن اختیار تام نیست، بلکه به معنای اجازه استفاده است. از این گذشته این اجازه به همه بنی‌آدم داده شده، پس زمین میراث همه بنی‌آدم است و منحصر در یک نسل نیست. این میراث در دست هر نسل امانت است که سهم خود را از آن بردارد و اصل امانت را به نسل‌های بعدی بسپارد.<sup>۳۱</sup>

گفته می‌شود عیسی مسیح این وظیفه را با مثل بیان کرده است. در انجیل متی، باب ۲۵ شماره‌های ۱۴-۳۰ با مثلی بیان شده است که اگر ارباب به غلام خود سرمایه‌ای می‌دهد، غلام باید بکوشد تا سودی به آن بیفزاید و به ارباب تحویل دهد و غلامی که چنین نکند معاقب است. هم‌چنین در انجیل لوقا، باب دوازدهم، شماره‌های ۴۱-۴۸ در مثلی آمده که اربابی بر اموال و غلامان و کنیزان خود ناظر گذاشته است. آیا این ناظر حق دارد سوء استفاده کند و غلامان و کنیزان را بزند و به خوردن و آشامیدن و میگساری پردازد؟ در این صورت مولایش ناگهان می‌آید و او را دوپاره می‌کند. پس انسان نه تنها نباید از آنچه در اختیار او، به عنوان امانت، گذاشته شده سوء استفاده کند، بلکه باید تلاش کند وضعیت آن را بهبود بخشد.<sup>۳۲</sup>

در کتاب تعلیمات دینی کلیسای کاتولیک، ذیل فرمان هفتم «ده فرمان» یعنی «دزدی مکن»، آمده است که حیوانات، گیاهان و موجودات بی‌جان ذاتاً برای خیر همگانی بشر در گذشته، حال و آینده مقدر شده‌اند.<sup>۳۳</sup> استفاده از ذخایر معدنی، نباتی و حیوانی جهان را نمی‌توان از احترام به اخلاقیات جدا کرد. سیطره‌ای که خالق برای آدمی نسبت به موجودات بی‌جان و جان‌دار نهاده است مطلق نیست، بلکه با توجه به نحوه زندگی هم‌نوع، شامل نسل‌های بعدی، محدود می‌شود؛ این امر مستلزم احترام دینی به کمال آفرینش است.<sup>۳۴</sup>

اشکال دیگر به متون مقدس یهودی - مسیحی این بود که این متون حق خاصی برای حیوانات و گیاهان در مقابل انسان قائل نیست. نمونه آن عمل عیسی است که دیوها را از دیوانگان خارج کرده و به گله‌گرازاها داخل می‌کند و آنها خود را به دریا می‌افکنند.<sup>۳۵</sup>

۳۰. مزامیر، ۱۱۵: ۱۶.

۳۱. پتریک دوبل، «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی-مسیحی نسبت به طبیعت»، ۱۲۴-۱۲۵.

۳۲. پتریک دوبل، «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی-مسیحی نسبت به طبیعت»، ۱۲۶-۱۲۸.

۳۳. پیدایش، ۱: ۲۸-۳۱.

34. CCC, Catechism of the Catholic Church, n. 4415.

۳۵. متی، ۸: ۲۸-۳۲.

اما تفسیر این فقره هر چه باشد، احکام متعددی در تورات درباره حیوانات آمده که حقوق مستقل آنان را می‌رساند. در ده فرمان که اساس شریعت و اخلاق پیروان تورات است، دستور داده شده که حیوانات نیز در روز هفتم همراه با انسان‌ها باید استراحت داده شوند.<sup>۳۶</sup>

همچنین احکام دیگری درباره حقوق حیوانات آمده است: «در زمین خود شش سال کشت و زرع کنید و محصول آن را جمع نمایید، اما در سال هفتم بگذارید زمین استراحت کند و آنچه را که در آن می‌روید واگذارید تا فقرا از آن استفاده کنند و آنچه از آن باقی ماند حیوانات صحرا بخورند. این دستور در مورد باغ انگور و باغ زیتون نیز صدق می‌کند. شش روز کار کنید و در روز هفتم استراحت نمایید تا غلامان و کنیزان و غریبانی که برایتان کار می‌کنند و حتی چهارپایانتان بتوانند استراحت نمایند».<sup>۳۷</sup>

«دهان گاو را هنگامی که خرمن خرد می‌کند نبندید».<sup>۳۸</sup>

در کتاب تلمود نیز احکام و دستورهای متعددی درباره حقوق حیوانات و مسئولیت انسان در قبال آنها آمده است: «انسان مجاز نیست هیچ‌گونه حیوانی را بخرد، مگر اینکه قبلاً غذای مناسب و کافی برای آن تهیه کند». در سفر تثبیه آمده است «او به شما مراتع سرسبز برای چریدن گله‌هایتان خواهد داد و خود نیز غذای کافی خواهید داشت که بخورید و سیر شوید».<sup>۳۹</sup> دانشمندان یهود در کتاب تلمود از این آیه چنین استفاده کرده‌اند که انسان نباید پیش از اینکه به حیواناتش خوراک بدهد خود غذا بخورد چون در آیه، اول به حیوانات توجه شده و بعد به انسان. هم‌چنین در این کتاب آمده است که ممنوعیت قطع عضو از یک حیوان زنده، یکی از هفت فرمانی است که برای نسل بشر به پسران نوح داده شده است. بر این اساس دانشمندان یهود شرکت در مسابقاتی که در آن به حیوانات نقص وارد می‌شود یا به آنها آزار می‌رسد و حتی تماشای این مسابقات را که در فرهنگ یونان و روم باستان معمول بود، منع می‌کردند.<sup>۴۰</sup>

در این کتاب حکایت‌های متعددی درباره توجه به حیوانات و آثار معنوی آن و مجازات‌هایی که در بی‌توجهی به حیوانات متوجه انسان می‌شود آمده است.<sup>۴۱</sup> هم‌چنین دستورهای

۳۶. خروج، ۲۰:۱۰؛ تثبیه، ۵: ۱۴.

۳۷. خروج، ۲۳: ۱۰-۱۳.

۳۸. تثبیه، ۲۵: ۴.

۳۹. تثبیه، ۱۱: ۱۵.

۴۰. کهن، ۱۳۵۰: ۲۵۷.

۴۱. کهن، ۱۳۵۰: ۲۵۶-۲۵۷.

اخلاق زیست‌محیطی در متون مقدس ادیان ابراهیمی / سلیمانی ۱۹

متعددی درباره ذبح حیوانات آمده که بر طبق آنها حیوانات باید هنگام ذبح کمترین زجر و درد را تحمل کنند.<sup>۴۲</sup>

در عهد جدید چنین احکامی به صورت خاص مطرح نشده؛ ولی احکامی از این دست در عهد قدیم مورد تأیید قرار گرفته است. عالمان مسیحی نیز با توجه به این احکام درباره حفظ محیط زیست سخن گفته‌اند. در کتاب تعلیمات دینی کلیسای کاتولیک آمده است: «حیوانات آفریدگان خدایند. او آنها را با مراقبت و عنایت خدایی‌اش در پناه خود می‌گیرد. آنها به محض وجودشان او را تقدیس می‌کنند و جلال می‌بخشند. از این رو، آدمیان باید با آنها مهربان باشند. باید ملاحظت قدیسانی چون فرانسیس آسیزی یا فیلیپ نری را با حیوانات، به خاطر آوریم».<sup>۴۳</sup>

«خدا سرپرستی حیوانات را به انانی محول کرده که ایشان را به صورت خویش آفرید».<sup>۴۴</sup> از این رو، استفاده از حیوانات برای غذا و پوشاک رواست. آدمی می‌تواند آنها را برای کمک در کارش و در فراغتش رام کند. انجام آزمایش‌های پزشکی و علمی بر حیوانات، اگر در محدوده‌های معقول انجام گیرد، اخلاقاً پذیرفتنی است، زیرا برای نجات زندگی انسان‌ها و مراقبت از آنان مؤثر است.

«آزار و اذیت یا کشتن بی‌جهت حیوانات مغایر با شأن انسانی است. همچنین، ناشایست است که آنجا که پولی برای رفع گرفتاری انسان‌ها اولویت دارد آن را صرف حیوانات کنیم. می‌توان حیوانات را دوست داشت؛ اما نباید محبتی را نثار آنها کرد که تنها بایسته انسان‌هاست».<sup>۴۵</sup>

پس تا اینجا، این اشکال که متون مقدس یهودی-مسیحی به طور مستقیم به انسان‌ها اجازه داده که با طبیعت هرگونه که بخواهند رفتار کنند و در واقع مطابق این متون، طبیعت به مثابه ملک مطلق به انسان‌ها داده شده است، سطحی و نادرست می‌نماید. هرچند همان‌طور که گذشت، ممکن است کسی برای مثال، کل نظام الهیاتی را زمینه‌ساز اندیشه مدرن بداند، اندیشه‌ای که باعث بحران محیط زیست شده است. هم‌چنین باید به این نکته اشاره کنیم که دو افراط و تفریطی که درباره برخورد با حیوانات در غرب دیده می‌شود ربط مستقیمی با متون مقدس یهودی-مسیحی ندارد، بلکه مخالف با آنهاست. یکی اینکه عده قابل توجهی معنویت را در این می‌بینند که اموال

۴۲. کهن، ۱۳۵۰: ۱۵۷-۱۵۸.

۴۳. متی، ۶: ۲۶؛ دانیال، ۳: ۷۹-۸۱.

۴۴. بیدایش، ۲: ۱۹-۲۰؛ ۹: ۴-۱.

خود را وقف سگ یا گربه خود کنند یا برای آنها وصیت کنند، درحالی که کودکان زیادی در سراسر جهان از گرسنگی رنج می‌برند. مطابق این متون، انسان مقدم بر حیوانات است. گربه و سگ اگر به حال خود رها شوند می‌توانند به زندگی طبیعی خود ادامه دهند، درحالی که کودکان انسان‌ها اگر حمایت نشوند تلف می‌شوند. دیگر اینکه هنوز در گوشه و کنار اروپا حیوانات را هدف آزار و اذیت قرار می‌دهند و به تماشا می‌نشینند. نمونه آن گاوپازی‌هایی است که در اروپا اجرا می‌شود. مطابق این متون این اعمال نیز مذموم است.

### ۳. موضع قرآن و روایات اسلامی

در بخش اول این نوشتار اشکالاتی که بحران محیط زیست در عصر حاضر به متون مقدس یهودی-مسیحی وارد شده است، نقل گردید. برخی از این اشکالات عام بود و همه ادیان ابراهیمی یا حتی بسیاری از ادیان دیگر را شامل می‌شد و برخی دیگر اشاره به مواردی داشت که در خصوص این متون آمده است. در این بخش برآنیم که به اختصار موضع قرآن و روایات اسلامی را در این باره بیان کنیم. بحث را در چند محور پی می‌گیریم:

#### ۳-۱. مشابهت متون اسلامی با متون یهودی-مسیحی

در قرآن و نیز روایات اسلامی موارد خاصی وجود دارد که ممکن است از آنها اموری مانند آنچه درباره متون مقدس یهودی-مسیحی گذشت، برداشت شود. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) انسان برتر از دیگر موجودات است. در آیاتی از قرآن آمده است که خدا هنگام خلقت انسان از روح خود در او دمیده و می‌دمد.<sup>۴۶</sup> اضافه روح به خدا چه از نوع اضافه ملکی باشد که اکثر مفسران گفته‌اند<sup>۴۷</sup> و چه از نوع اضافه اختصاص باشد که برخی مفسران گفته‌اند،<sup>۴۸</sup> این نکته روشن است که روحی که در انسان دمیده شد، از جنسی متفاوت با زمین و موجودات زمینی است. پس انسان به گونه‌ای برتر و متمایز از طبیعت است. در آیه‌ای از قرآن آمده است: «به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر کثیری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».<sup>۴۹</sup> در این

۴۶. سجده: ۱۹؛ حجر: ۲۹.

۴۷. الزمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل، جلد ۳ (بیروت: دارالمعرف للطباعة و النشر، بی‌تا)، ۲۴۱؛ الفخر الرازی، التفسیر الکبیر، جلد ۲۵ (بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵)، ۱۷۵.

۴۸. المیبیدی، کشف الاسرار و عده الابرار، جلد ۵ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ۳۰۷.

۴۹. اسراء: ۷۰.

آیه چه کلمه «کثیر» را به معنای جمیع بگیریم تا شامل فرشتگان نیز بشود، کما اینکه برخی مفسران چنین کرده‌اند،<sup>۵۰</sup> و چه به معنای ظاهری اش گرفته شود،<sup>۵۱</sup> همه بر آن‌اند که کلمه «کثیر» همه موجودات زمینی را شامل می‌شود و حداکثر فرشتگان از آن خارج می‌شوند. به‌رحال برتری انسان نسبت به دیگر موجودات زمینی و البته به نظر اکثریت مفسران و متکلمان حتی بر فرشتگان، امری پذیرفته‌شده در قرآن است.

ب) از آیاتی از قرآن برمی‌آید که زمین و هر آنچه در آن است برای انسان خلق شده است: «اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید».<sup>۵۲</sup>

ج) از آیاتی از قرآن برمی‌آید که خدا دیگر مخلوقات زمینی را برای استفاده انسان معین کرده است: «و [خدا] از پوست دام‌ها برای شما خانه‌هایی نهاد که آنها را در روز جابه‌جاشدنتان و هنگام ماندنتان سبک می‌یابید و از پشم‌ها و کرک‌ها و موهای آنها وسایل زندگی که تا چندی مورد استفاده است»؛<sup>۵۳</sup> «خدا [همان] کسی است که چهارپایان را برای شما قرار داد که از برخی از آنها سواری گیرید و از برخی از آنها بخورید. و در آنها برای شما سودهاست تا [با سوارشدن] بر آنها به مقصودی که در دل‌هایتان است برسید».<sup>۵۴</sup>

د) در برخی آیات قرآن آمده است که خداوند هر آنچه در آسمان و زمین است در تسخیر انسان قرار داده است.<sup>۵۵</sup>

اینکه انسان برتر و بالاتر از دیگر موجودات زمینی است، انکارشدنی نیست. هیچ کس نمی‌تواند منکر این شود که انسان دارای عقل است و توان یادگیری و پیشرفت او با هیچ موجود زمینی دیگری قابل قیاس نیست. پس این برتری به نگاه قرآن و دیگر متون بستگی ندارد، بلکه امری تکوینی است. اگر کسی به برتری انسان اشکال دارد، کافی نیست که به نگاه متون مقدس اشکال کند، بلکه باید به خلقت خدا اشکال کند و آن امر دیگری است.

در فقره چهارم آمده بود که خدا همه آنچه را که در آسمان و زمین است در تسخیر انسان قرار داده است. معنای تسخیر چیست؟ در برخی از آیات آمده است که خداوند روز و شب و

۵۰. طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، جلد ۶ (بیروت: دارالمعرفه لطباعة و النشر، ۱۹۸۸)، ۶۲۲.

۵۱. الزمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل، جلد ۲، ۴۵۹.

۵۲. بقره: ۲۹.

۵۳. نحل: ۸۱.

۵۴. مؤمن: ۷۹-۸۰.

۵۵. لقمان: ۲۰؛ الجاثیه: ۱۳.

ماه و خورشید و دریا و... را در تسخیر شما قرار داده است.<sup>۵۶</sup> خورشید و ماه به چه معنا در تسخیر انسان هستند؟ آیا غیر از این است که آنها به گونه‌ای خلق شده‌اند و انسان به گونه‌ای خلق شده که می‌تواند از آنها به خوبی استفاده کند؟ به همین صورت است آیتی که می‌گویند خدا اموری را برای انسان قرار داده است. مقصود آن است که انسان می‌تواند از آنها استفاده کند. تنها یک مورد می‌ماند و آن اینکه خدا هر آنچه در آسمان و زمین است برای انسان خلق کرده است. آیا مقصود این است که هدف از خلقت موجودات زمینی استفاده انسان بوده یا اینکه مقصود از عبارت «برای شما» این است که آنها را خلق کرده و شما می‌توانید از آنها استفاده کنید؟ به هر حال از همه اینها که بگذریم آیات متعددی از قرآن می‌رساند که هر چه در آسمان و زمین است از آن خداست.<sup>۵۷</sup> بنابراین جهان از آن خداست و انسان جزئی از جهان است و از آن خداست. پس اگر جهان به انسان عطا شده هرگز به معنای این نیست که او هرگونه بخواهد می‌تواند از آن استفاده کند.

### ۲-۳. انسان و زمین

بحث دیگر این است که انسان بر روی زمین چه کاره است و چه ربط و نسبتی با آن دارد و از سوی دیگر زمین برای انسان چگونه جایگاهی است؟ در بحث از عهد قدیم گذشت که انسان به صورت خدا خلق شده است تا بر زمین فرمانروایی کند. اما از سوی دیگر زمین برای این انسان تبعیدگاه است و خدا آن را هدف لعنت قرار داده است تا انسان در آن با مشقت زندگی کند.<sup>۵۸</sup> درباره نسبت انسان با زمین در قرآن آمده است که خداوند هنگام خلقت انسان به فرشتگان می‌گوید من می‌خواهم بر روی زمین جانشین قرار دهم.<sup>۵۹</sup> ظاهر عبارت، همان‌طور که بسیاری از مفسران برداشت کرده‌اند،<sup>۶۰</sup> این است که انسان جانشین خدا بر روی زمین قرار داده شده است. به هر حال فرشتگان به خداوند اعتراض می‌کنند و می‌گویند این انسان بر روی زمین فساد و تباهی خواهد کرد و خداوند از جایگاه والای انسان دفاع می‌کند. اگر انسان جانشین خدا بر روی زمین است، پس باید زمین را خداگونه اداره کند. استدلال فرشتگان این بود که این انسان بر روی زمین فساد و تباهی می‌کند و خدا از انسان دفاع کرد. از این فقره

۵۶. نحل: ۱۴ و ۱۲؛ لقمان: ۲۹؛ فاطر: ۱۳ و... .

۵۷. بقره: ۲۸۴؛ آل عمران: ۱۰۹ و ۱۲۹ و... .

۵۸. پیدایش، باب سوم.

۵۹. بقره: ۳۰.

۶۰. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی التفسیر القرآن، جلد ۱ (بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۳)، ۱۱۶؛ صدرالمتألهین، تفسیر القرآن الکریم، جلد ۲ (قم، بیدار، ۱۳۶۶)، ۳۰۰؛ بروس، تفسیر روح البیان، جلد ۱ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵)، ۹۳ و ۹۶.

به‌روشنی برمی‌آید که حتی اگر انسان جانشین خدا بر روی زمین نباشد، باید به گونه‌ای آن را اداره کند که فساد و تباهی به بار نیاید.

از سوی دیگر زمین نیز برای انسان تبعیدگاه نیست، بلکه مکانی است که باید در آن برای مدتی سکنا گیرد و از مواهب آن برخوردار شود.<sup>۶۱</sup> انسان باید از دنیا به مثابه ابزاری ارزشمند برای رسیدن به آخرت استفاده کند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «دنیا کشتزار آخرت است»<sup>۶۲</sup> و امام علی (ع) می‌فرماید: «آخرت با دنیا به دست می‌آید».<sup>۶۳</sup> پس دنیا ارزشمند است به شرط آن‌که درست از آن استفاده شود. پیامبر اسلام می‌فرماید: «به دنیا ناسزا نگویند که آن نیکومرکی است برای مؤمن؛ زیرا به وسیله آن به خیر و خوبی می‌رسد و از شر و بدی می‌رهد. هر گاه بنده گوید: لعنت خدا بر دنیا، دنیا گوید: لعنت خدا بر نافرمان‌ترین ما نسبت به پروردگارش».<sup>۶۴</sup> پس دنیا ابزار و مرکبی ارزشمند است، اما هدفی ارزشمند نیست.

بنابراین مطابق قرآن و روایات اسلامی نه تنها هیچ گونه دشمنی بین انسان و زمین نیست و نباید باشد، بلکه رابطه بین این دو کاملاً صمیمانه است. انسان جانشین خدا بر روی زمین است و باید خداگونه آن را اداره کند و از سوی دیگر از آن به عنوان ابزاری ارزشمند برای رسیدن به کمال و سعادت جاودانه استفاده کند.

### ۳-۳. طبیعت چونان نعمت الهی

در قرآن و روایات اسلامی برای بیان امکاناتی که در اختیار انسان قرار دارد از واژه خاصی استفاده شده که بارمعنایی و ارزشی ویژه دارد. در واقع هرچه در این دنیا و در اختیار انسان است همه «نعمت خداوند» است و این نعمت‌ها آن اندازه زیادند که هیچ انسانی قادر به شمارش آنها نیست.<sup>۶۵</sup> «نعمت» موهبتی است که از خدا به انسان ارزانی داشته شده و به همین دلیل انسان نباید به آن بی‌اعتنا باشد، بلکه باید از نعمت‌های الهی یاد کند.<sup>۶۶</sup> احترام به نعمت، احترام به دهنده آن و بی‌احترامی به آن بی‌احترامی به عطاکننده آن است. انسان باید در مقابل نعمت خداوند شاکر باشد<sup>۶۷</sup> و نباید ناسپاس باشد.<sup>۶۸</sup> البته انسان‌ها موظف‌اند از نعمت‌های خداوند درست استفاده کنند.

۶۱. بقره: ۳۶.

۶۲. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌النالی، جلد ۱ (قم: مطبعة سید الشهداء، ۱۴۰۳)، ۲۶۷.

۶۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۶۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۷۷، ۱۷۸.

۶۵. ابراهیم، ۳۴؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۱.

۶۶. بقره: ۴۰ و ۴۷ و ۱۲۲.

۶۷. نمل: ۱۱۴.

۶۸. عنکبوت: ۶۷.

در قرآن و روایات اسلامی درباره استفاده نادرست از نعمت‌های خداوند دو عنوان «اسراف» و «تبذیر» به کار رفته که اولی به معنای زیاده‌روی در مصرف نعمت‌های خداوند و دومی به معنای از بین بردن آنهاست. در قرآن درباره اسراف آمده است: «بخورید و بیاشامید، ولی اسراف و زیاده‌روی نکنید، که او اسراف‌کاران را دوست ندارد».<sup>۶۹</sup> در آیه‌ای دیگر پس از ذکر نعمت‌های متعدد خداوند از قبیل درختان و کشتزارها می‌فرماید: «از میوه آنها وقتی ثمر دادند و روز بهره‌برداری حق بینوایان را از آن بپردازید و اسراف مکنید که خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد».<sup>۷۰</sup> قرآن درباره «تبذیر» و از بین بردن نعمت‌های خداوند می‌فرماید: «حق خویشاوند را به او بده و حق مستمند و درراه‌مانده را عطا کن و ولخرجی و تبذیر نکن، چرا که تبذیرکنندگان برادران شیطان‌هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگار ناسپاس بوده است».<sup>۷۱</sup> پیامبر اسلام می‌فرماید: «اسراف آن است که هر چه دلت خواست بخوری».<sup>۷۲</sup> امام صادق (ص) درباره کمترین حد اسراف می‌فرماید: «کمترین اندازه اسراف، دور ریختن ته‌مانده ظرف و تبدیل لباس بیرون به لباس خانه و دور انداختن هسته میوه است».<sup>۷۳</sup> امام علی (ع) درباره تبذیر و اتلاف نعمت می‌فرماید: «تبذیر سرلوحه فقر و ناداری است» و نیز می‌فرماید: «هر که به تبذیر افتخار کند با تهیدستی خرد و خوار می‌شود».<sup>۷۴</sup>

پس آنچه در اختیار انسان است نعمت الهی است و انسان نه تنها نباید آنها را از بین ببرد، بلکه باید به آنها احترام بگذارد و تنها به اندازه نیاز خود از آنها بهره گیرد. بنابراین در برابر این پرسش که آیا انسان می‌تواند از منابع طبیعت هر چه خواست استفاده کند و در نتیجه برای آیندگان چیزی باقی نگذارد، پاسخ قرآن و سنت اسلامی این است که هرگز انسان نمی‌تواند منابع را نابود کند یا در استفاده از آنها زیاده‌روی کند. او حتی نباید یک هسته میوه را دور بیندازد. در فقه اسلامی آمده است که شکار حیوانات تنها برای رفع نیاز مجاز است و در غیر این صورت، برای مثال، حتی سفر برای شکار که برای تفریح صورت می‌گیرد در حکم سفر حرام است.<sup>۷۵</sup>

۶۹. اعراف: ۳۱.

۷۰. انعام: ۱۴۱.

۷۱. اسراء: ۲۵-۲۶.

۷۲. متقی، کنز العمال، حدیث ۷۳۶۶.

۷۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، جلد ۷۵، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲)، ۳۰۳ و محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ۷۷: ۱۶۵.

۷۴. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰)، ح ۸۹۰ و ۹۰۵۷.

۷۵. روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴)، ۲۳۰.

#### ۴-۳. حفظ طبیعت و حقوق حیوانات

از آنچه گذشت آشکار است که مطابق متون اسلامی انسان آزاد نیست که هرگونه که بخواهد با طبیعت برخورد کند. او موظف به رعایت یک نظام اخلاقی در برخورد با طبیعت، اعم از جاندار و بی‌جان، است. با این حال در متون اسلامی دستورهای خاصی آمده که از آنها حقوق خاص حیوانات و نیز برنامه حفظ محیط زیست استفاده می‌شود. پیامبر اسلام توصیه‌های فراوانی درباره برخورد با حیوانات دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

روزی آن حضرت شتری را دید که زانویش بسته شده و جهاز هم‌چنان بر پشت آن است. پرسید: «صاحب این شتر کجاست؟ به او بگوئید خودش را برای دادخواهی این شتر در روز قیامت آماده کند.»<sup>۷۶</sup> او فرمود: «حیوان شش حق بر گردن صاحب خود دارد: هرگاه از آن پیاده شد علفه‌اش دهد، هرگاه از آبی گذشت آبش دهد، بی‌جهت آن را نزند، بیش از قدرتش بارش نکند، بیش از توانش راهش نبرد و مدت زیادی روی آن درنگ نکند.»<sup>۷۷</sup>

آن حضرت فرمود: «اگر ستمی که به حیوانات می‌کنید بر شما بخشیده شود، بسیاری از گناهان شما بخشیده خواهد شد.»<sup>۷۸</sup> پیامبر اسلام درباره قتل بی‌جهت حیوانات می‌فرماید: «هر حیوانی که به ناحق کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد.»<sup>۷۹</sup> نیز می‌فرماید: «هر کس گنجشکی را بی‌سبب بکشد آن گنجشک در روز قیامت از او به درگاه خداوند می‌نالند و می‌گویند: پروردگار من! فلانی مرا نه برای استفاده، بلکه بی‌سبب کشت.»<sup>۸۰</sup> یکی از اصحاب پیامبر (ص) می‌گوید: «آن حضرت کشتن هر حیوانی را ممنوع کرد مگر آن که آن حیوان آزار برساند.»<sup>۸۱</sup>

بنابراین کشتن حیوانات تنها در دو صورت مجاز است: یکی برای رفع نیاز و دیگری در صورتی که حیوان به انسان آزاری برساند که تحمل نتوان کرد. در غیر این صورت کشتن حیوانات گناهی بزرگ است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «زنی به سبب آن که گربه‌ای را بسته بود تا از تشنگی مرد، به عذاب الهی گرفتار شد.»<sup>۸۲</sup> از سوی دیگر کسی که حیوانی را نجات دهد پاداشی بس بزرگ

۷۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۷: ۲۷۶.

۷۷. حسین نوری، مستدرک الوسائل، جلد ۸ (بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸)، ۲۵۶، ح ۹۳۹۳.

۷۸. متقی، کنزالعمال، ح ۲۴۹۷۳.

۷۹. متقی، کنزالعمال، ح ۳۹۹۶۸.

۸۰. متقی، کنزالعمال، متقی، ح ۳۹۹۷۱.

۸۱. متقی، کنزالعمال، ح ۳۹۹۸۱.

۸۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، جلد ۱، (بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲)، ۲۸۰، ح ۸۶۴.

خواهد داشت. پیامبر اسلام می‌فرماید: «زنی بدکاره سگی را دید که سر چاهی لوله می‌زند و کم مانده است از تشنگی بمیرد. او کفش خود را درآورد و به روسری خود بست و برای آن سگ از چاه آب کشید؛ پس خداوند گناهان او را به سبب این کار آمرزید».<sup>۸۳</sup> پس حیوانات حقوق زیادی دارند که باید رعایت شود.

درباره درخت و درختکاری و گیاهان نیز اسلام دستورهای زیادی دارد. پیامبر اسلام می‌فرماید: «مسلمانی نیست که بذری بیفشاند یا نهالی بنشاند و از حاصل آن بذر و نهال پرنده‌ای یا انسانی یا چرنده‌ای بخورد، مگر آنکه برای او صدقه‌ای محسوب شود».<sup>۸۴</sup> نیز می‌فرماید: «هر که درختی بنشاند و در راه نگهداری و رسیدگی به آن صبر کند تا میوه دهد، در قبال هر میوه‌ای که از آن بخورند یک صدقه نزد خدا برایش منظور می‌شود».<sup>۸۵</sup>

امام صادق (ع) درباره قطع درختان می‌فرماید: «درختان میوه را قطع نکنید، که خداوند بر شما عذاب سختی فرومی‌ریزد».<sup>۸۶</sup> اما آیا فقط درخت میوه را نباید قطع کرد؟ فردی از امام صادق درباره قطع درخت سدر، که بی‌میوه است، پرسید. امام در پاسخ فرمود در آبادی و جایی که درخت فراوان است مانعی ندارد اما در بیابان و جایی که درخت کمیاب است قطع آن مکروه است.<sup>۸۷</sup> البته روشن است که این حکم در صورتی است که انسان برای رفع نیاز درختی را قطع کند، وگرنه به هر صورت قطع درخت جایز نیست.

پس متون اسلامی برای حفظ محیط زیست و طبیعت اهمیت زیادی قائل است و آن را از وظایف اصلی می‌شمارد.

### ۳-۵. طبیعت: ستایش‌گر خدا

در آیات متعددی از قرآن از این سخن رفته که همه هستی و حتی طبیعت بی‌جان خدا را ستایش می‌کنند. در یک آیه سخن از این است که هرچه در آسمان و زمین است او را ستایش می‌کنند و چیزی نیست مگر اینکه پاکی او را می‌ستاید، اما شما انسان‌ها ستایش آنها را درک نمی‌کنید<sup>۸۸</sup> و رعد با صدای خود او را ستایش می‌کند.<sup>۸۹</sup>

۸۳. متقی، کنز العمال، ح ۴۳۱۱۶.

۸۴. متقی، کنز العمال، ح ۹۰۵۱.

۸۵. متقی، کنز العمال، متقی، ح ۹۰۸۱.

۸۶. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۵ (بیروت: دار صعب-دار التعارف، ۱۴۰۱)، ۲۶۴.

۸۷. کلینی، الکافی، ۵: ۲۶۴.

۸۸. اسراء: ۴۴؛ حدید: ۱، حشر: ۱ و ۲۴، صف: ۱، جمعه: ۱ و ...

۸۹. رعد: ۱۳.

قبلاً گذشت که کسانی می‌گفتند بحران محیط زیست از آنجا ناشی شده که از طبیعت تقدس - زدایی شده است. برخی گفتند اشکال این است که طبیعت از خدا جدا شده و همین نکته باعث شده که از آن تقدس‌زدایی شود. باید سراغ ادیانی مانند «شین‌تو» برویم که در آنها بین طبیعت و خدا جدایی نیست. برخی دیگر گفتند که باید سراغ ادیانی رفت که طبیعت را روح‌دار و جان‌دار می‌دانند. اما سخن قرآن این است که طبیعت قداست دارد، اما نه به این جهت که الوهیت دارد و معبود است، بلکه به این جهت که عابد است و با ملکوت خود خالق خود را می‌ستاید. بالاترین مقام انسان آن است که عبد صالح خدا باشد و طبیعت نیز با سرشت خود همین عمل را انجام می‌دهد. پس طبیعت قداست دارد.

#### ۴. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

همان‌طور که گذشت کسانی در غرب جدید متون مقدس یهودی - مسیحی را عامل بحران محیط زیست دانسته‌اند و گفته‌اند که این متون اولاً، از طبیعت تقدس‌زدایی کرده‌اند و ثانیاً، رابطه‌ای بین انسان و طبیعت برقرار کرده‌اند که طبق آن، انسان خود را مالک و صاحب اختیار مطلق طبیعت به حساب آورده است. بسیاری از اشکالاتی که آنان آورده‌اند به گونه‌ای متوجه قرآن نیز می‌شود. اما همان‌طور که گذشت کسانی از متون مقدس یهودی - مسیحی دفاع کرده‌اند و گفته‌اند بحران محیط زیست کنونی نتیجه اندیشه مدرن و دوری از دین و معنویت است، نه اینکه علتش متون مقدس باشد. به‌رحال گفته شد که بسیاری از سخنانی که نسبت به متون مقدس یهودی - مسیحی گفته شده، نارواست. هرچند می‌توان نگاه مسیحیت به انسان را در به‌وجود آمدن اندیشه مدرن مؤثر دانست و در نتیجه، آن را به صورت غیرمستقیم در به‌وجود آمدن بحران محیط زیست مؤثر به حساب آورد. به‌رحال مطابق این متون انسان تنها وظیفه اداره جهان را دارد و می‌تواند به اندازه نیاز خود از آن استفاده کند. انسان موظف است که حقوق حیوانات را رعایت و طبیعت را حفظ کند.

این سخن در قرآن و روایات اسلامی به صورتی رساتر و روشن‌تر آمده است. انسان خلیفه خدا بر روی زمین است و باید آن را خداگونه اداره کند. جهان به منزله نعمت در اختیار انسان است و او می‌تواند به اندازه نیاز خود از آن بردارد، اما نعمت احترام دارد و نباید اسراف و تبذیر کند.

همچنین طبیعت نیز قداست دارد، چراکه از یک سو نعمت خداوند است و از سوی دیگر با ملکوت خود خدا را ستایش می‌کند. با این حال انسان برتر از موجودات دیگر خلق شده است و این نکته‌ای است که در خود طبیعت مشهود است. اینکه چرا انسان برتر خلق شده یک بحث

کلامی است. اما به هر حال انسان موظف است که از برتری و قوت و قدرت خود در حفظ محیط زیست و طبیعت و نگهداری حیوانات و رعایت حقوق آنها استفاده کند.

در قرآن آمده است که هنگامی که فرشتگان به خدا اعتراض کردند که چرا انسان را که فساد و تباهی می‌کند در جایگاه جانشین در زمین قرار می‌دهد، خدا از انسان دفاع کرد و توان یادگیری انسان را به رخ فرشتگان کشید. پس انسان می‌تواند بیاموزد و به پیش برود و این انسان خلیفه خدا بر روی زمین است. این انسان می‌تواند پیشرفت کند و به جایی برسد که بتواند کل زمین را نابود کند. اما او با همین قدرت می‌تواند زمین را حفظ کند. او خلیفه خدا بر روی زمین است و وظیفه حفظ زمین را دارد. او نه تنها باید به گونه‌ای عمل کند که مشکلی در محیط زیست به وجود نیاید، بلکه باید با دانش و توان خود جلوی زیان برخی حوادثی طبیعی را نیز بگیرد.

## سیاهه منابع

### الف- منابع فارسی:

- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
- ابن ابی‌جمهور، حسن بن ابراهیم. عوالی اللئالی. قم: مطبعة سید الشهداء، ۱۴۰۳.
- بروسوی، اسماعیل. تفسیر روح البیان. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
- خمینی، سید روح‌الله. تحریر الوسیله. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴.
- دوبل، پتريک. «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی-مسیحی نسبت به طبیعت»، ترجمه مصطفی ملکیان. در: اخلاق زیست‌محیطی، پویمان، پ. لویی، جلد ۱، تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۴.
- الزمخشری، جارالله. الکشاف عن حقایق التنزیل. بیروت: دارالمعرف للطباعة و النشر، [بی‌تا].
- سینگر، پیترو. «اخلاق محیط زیست»، ترجمه علیرضا آل‌بویه، فصلنامه نقد و نظر، ش ۴۵-۴۶ (۱۳۸۶).
- صدرا (صدرالمتألهین)، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار، ۱۳۶۶.
- طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی التفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۳.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی التفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر، ۱۹۸۸.
- طبرسی، فضل بن حسن. مکارم الاخلاق. بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲.
- الفخر الرازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵.
- کرز، ارل. سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ. ترجمه آرمان رشدی، تهران: شورای کلیساهای جماعت ربانی، ۱۹۹۴.
- کلارک، استیون. «اخلاق زیست‌محیطی»، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر. فصلنامه هفت آسمان، شماره ۲۶ (تابستان ۱۳۸۴).
- کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی. بیروت: دار صعب-دار التعارف، ۱۴۰۱.
- کیویت، دان. دریای ایمان. ترجمه حسن کامشاد، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶.
- کهن، ابراهام. گنجینه‌ای از تلمود. ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران: اساطیر، ۱۳۵۰.
- گریدی، جوان‌ا. مسیحیت و بدعت‌ها. ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم: مؤسسه فرهنگی طه، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- لسلی، دانستن، جی. آیین پروتستان. ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۱.
- مانکریف، لوئیس دبلیو. «بنیان فرهنگی بحران محیط زیست ما»، ترجمه مصطفی ملکیان. در: اخلاق زیست‌محیطی، پویمان، پ. لویی، جلد ۱، تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۴.
- متقی، علی بن حسام‌الدین. کنز العمال. بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۳۰ دین و دنیای معاصر / سال ۹ / شماره ۱ / پیاپی ۱۶ / صص ۷-۳۰

المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین. کشف الاسرار و عده الابرار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.  
نصر، سید حسین. انسان و طبیعت. ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.  
نوری، حسین. مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸.  
وایت، لین. «ریشه‌های تاریخی بحران بوم‌شناختی ما» ترجمه مصطفی ملکیان. در: اخلاق  
زیست‌محیطی. پویمان، پ. لویی، ج ۱، تهران: نشر توسعه، ۱۳۸۴.

ب- منابع لاتین:

CCC, *Catechism of the Catholic Church*. Ireland: Veritas, 1994.  
M. Hoppe, Lewis. *Religions of the World*. New York: Macmillan, 1983.  
Rogerson, John. "The Old Testament: Historical Study and New Roles." in *Companion Encyclopedia of Theology*, London and New York: 1995.